

رابطه دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی

Prediction of Violence Dimentions upon Coping Strategies in Women of Domestic Violence Victim

Khodamorad Momeni

خدا مراد مومنی*

Sedighe Azadifard

صدیقه آزادی فرد**

Abstract

In recent years, the number of divorces in Iran has increased dramatically. However, hidden from sight are the relationships which despite the presence of necessary factors for divorce, are still sustainable and in fact, suffer from emotional divorce. Therefore the purpose of this research is to study the relationship between sexual knowledge and attitude and also relationship beliefs and emotional divorce. In this descriptive correlational study, a sample of 230 female married nurses was selected from the hospitals of Khorramabad city, through simple random sampling. The instruments employed in this study included Sexual Knowledge and Attitude Scale (SKAS), Relationship Belief Inventory (RBI) and Emotional Divorce Scale (EDS). Based on the results of Pearson Correlation Coefficient and Multiple Regression Analysis, a significant negative relationship was found between the sexual knowledge and attitude and also relationship beliefs and the degree of emotional divorce. The belief in destructiveness of disagreement, sexual attitude, mind reading expectation, belief in unchangeability of spouse, and sexual perfectionism, respectively, could best predict emotional divorce. Family counselors and couples therapists could gain a better knowledge of the phenomenon of emotional divorce by studying the aforementioned variables and hence implement necessary interventions.

چکیده

خانواده در سال های اخیر آمار طلاق در ایران به شدت رو به افزایش بوده است. اما آنچه از نظر پنهان مانده روابطی است که علی‌رغم وجود فاکتورهای لازم برای طلاق، همچنان پابرجا هستند و در واقع دچار طلاق عاطفی شده‌اند. بنابراین هدف این پژوهش بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی است. روش پژوهش در این مطالعه، توصیفی از نوع همبستگی بود. نمونه این مطالعه شامل ۲۳۰ نفر از پرستاران زن متاح شهر خرم آباد بود که از میان تمامی پرستاران زن این شهر با استفاده از نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شده بودند. شرکت کنندگان پرسشنامه‌های دانش و نگرش جنسی، باورهای ارتباطی و طلاق عاطفی را تکمیل کردند. نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داد که بین دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با میزان طلاق عاطفی زنان رابطه‌ای منفی معناداری برقرار است و باور به مخرب بودن مخالفت، نگرش جنسی، توقع ذهن خوانی، باور به عدم تغییرپذیری همسر و کمال گرایی جنسی بیشترین نقش را در پیش بینی طلاق عاطفی داشتند. مشاوران خانواده و زوج درمانگران می‌توانند با بررسی متغیرهای مذکور شناخت بهتری از پدیده‌ی طلاق عاطفی داشته باشند و مداخلات لازم را اجرا نمایند.

Keywords: emotional divorce, sexual knowledge and attitude, relational beliefs, nurses

واژگان کلیدی: طلاق عاطفی، دانش و نگرش جنسی، باورهای ارتباطی، پرستاران

* . دانشیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه

azadifard1367@yahoo.com

** . کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی کرمانشاه

مقدمه

خانواده به لحاظ قدمت، ابتدایی ترین و از لحاظ گستردگی، جهان شمول ترین نهاد اجتماعی است (خدایاری فرد، شهرابی و اکبری زرده خانه، ۱۳۸۶). هیچ جامعه‌ای بدون داشتن خانواده‌های سالم نمی‌تواند ادعای سلامت کند و هیچ یک از آسیب‌های اجتماعی بی‌تأثیر از خانواده پدید نیامده‌اند (سارو خانی، ۱۳۷۵). ازدواج، مبنای شکل‌گیری خانواده و قطب مقابل آن طلاق است که سبب اضمحلال آن می‌شود. طلاق فروپاشی فردی، خانوادگی و اجتماعی را در پی دارد (موسایی^۱، ۲۰۱۱). طلاق هم می‌تواند صورت آشکار و رسمی به خود گیرد که طی آن خانواده فرو می‌پاشد و هم می‌تواند صورت پنهان به خود گیرد که در نتیجه‌هی آنخانواده صرفاً ساختار بیرونی خود را حفظ می‌کند، ولی از درون تهی می‌شود که به این حالت طلاق عاطفی گفته می‌شود (پروین، داوودی و محمدی، ۱۳۹۱). همزمان با رشد فراینده‌ی آمار طلاق، برخی از خانواده‌ها، با کاهش فضای عاطفی خانواده و سرد شدن ارتباطات انسانی در محیط خانواده رو به رو هستند که این پدیده می‌تواند به طلاق عاطفی منجر شود. از آنجا که طلاق عاطفی در جایی به صورت رسمی ثبت نمی‌شود، نمی‌توان آمار دقیقی در رابطه با آن گزارش داد و همین امر، پژوهش پیرامون آن را حساس و دشوار می‌سازد. اگرچه این نوع طلاق در جایی ثبت نشده و نمود عینی ندارد اما مهم‌ترین نوع طلاقی است که زوجین و فرزندان زیادی از آن رنج می‌برند (یزدانی، حقیقتیان و کشاورز، ۱۳۹۲).

طلاق عاطفی مهم‌ترین تهدید علیه بنیان خانواده است و شناخت عوامل مؤثر و متاثر از آن جزء اولویت‌ها به شمار می‌رود. متغیرهای زیادی می‌توانند در ایجاد طلاق عاطفی نقش داشته باشند که در این میان می‌توان به فاکتورهای جسمانی و شناختی مهمی همچون ارتباط جنسی و باورهای ارتباطی اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین عوامل خوشبختی در زندگی زناشویی و کیفیت زندگی خوب، روابط لذت بخش جنسی است، زیرا رضایت‌بخش نبودن روابط جنسی سبب ایجاد احساس محرومیت، ناکامی و عدم ایمنی در همسران می‌شود (کمبل^۲، اسکینر^۳ و هایمن^۴، ۲۰۰۰). این محرومیت جنسی می‌تواند در نهایت موجب طلاق و از هم گسستگی زندگی زناشویی گردد (آقامحمدیان، رضاقلی‌زاده، عوضی و پشتیبان، ۱۳۸۲). با شناخت چگونگی عملکرد جنسی و مؤلفه‌های آن می‌توان به رضایت جنسی و در نهایت به رضایت زناشویی که در سازگاری همسران تأثیر به سزایی دارد رسید (علی‌اکبری دهکردی، ۱۳۸۸). مجموعه‌ی معلومات، اطلاعات، دانش و آگاهی فرد در مورد جنسیت و مسائل جنسی از جمله جنبه‌های فیزیولوژیکی، تولید مثل، عملکرد و رفتار جنسی فردی و بین‌فردی، دانش جنسی گفته می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۴). به باورهایی که در مورد فعالیت‌ها و نقش‌های جنسی وجود دارد نگرش جنسی گفته می‌شود (کورسینی، ۲۰۰۲). نگرش جنسی شامل سبک تفکر مثبت یا منفی در تعبیر و تفسیر رویدادها و ارتباطات جنسی است که نقش بسیار مهمی در محتوای رابطه‌ی جنسی دارد (نادری، حیدری، حسین‌زاده مالکی، ۱۳۸۸).

^۱Mousaie

^۲emotional divorce

^۳Camble

^۴Skinner

^۵Heiman

بر اساس تعریف آیدلسون^۱ و اپستین^۲ منظور از باورهای ارتباطی، عقیده یا ذهنیتی است که زن و شوهر نسبت به ارتباط زناشویی خود دارند و آن را به عنوان واقعیت پذیرفته‌اند و منظور از باورهای ارتباطی ناکارآمد آن دسته از باورها و تفکرات غیرمنطقی می‌باشد که مختص رابطه‌ی زناشویی است و در اثر استفاده‌ی افرادی ایجاد مشکل نموده است که شامل پنج باور بدین شرح است: باور به تخریب کنندگی مخالفت^۳، باور به عدم تغییر پذیری همسر^۴، باور توقع ذهن خوانی^۵، کمال گرایی جنسی^۶ و باور به تفاوت‌های جنسیتی^۷.

پژوهش‌های متعددی حاکی از اهمیت بسیار زیاد دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی در رابطه‌ی زناشویی و فرایند از هم گسیختن عاطفی این رابطه بوده‌اند. تا آنجا که نادری و همکاران (۱۳۸۸) پی بردنده بین دانش و نگرش‌جنسی با همسرآزاری در مردان و زنان، رابطه‌ی منفی معنی‌داری وجود دارد. شهرستانی، دوستکام، رهباردار و مشهدی (۱۳۹۱) نیز در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتنده که هر قدر باورهای ارتباطی ناکارآمد مختص رابطه‌ی زناشویی بیشتر باشد، رضایتمندی در رابطه‌ی زناشویی کمتر خواهد بود. همچنین یافته‌های پژوهش شهرستانی و همکاران نشان داد که زوج‌های متقاضی طلاق در مقایسه با زوج‌های مایل به ادمه‌ی زندگی مشترک باورهای ارتباطی ناکارآمد بیشتری داشتند.

از آنجا که جامعه‌ی ایران، جامعه‌ای در حال گذار است و آینین سنتی هنوز در این جامعه پا بر جاست، در کنار آمار طلاق بسیار بالایی که وجود دارد می‌توان حدس زد که بسیاری از زوج‌ها به دلیل سنتی بودن خانواده‌هایشان ترجیح می‌دهند در یک زندگی بسیار بی‌کیفیت ادامه دهند تا زیر بار فشار روانی حاصل از طلاق نزوند. در چنین شرایطی پدیده‌ی طلاق عاطفی و زندگی مستقل عاری از عواطف و تنها «زیر یک سقف» به وفور به چشم می‌خورد. بنابراین از آنجا که پژوهش‌های محدودی به بررسی طلاق عاطفی اختصاص داده شده‌اند، پژوهش حاضر در بی‌پاسخ‌گویی به این سؤال است که آیا دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی توان پیش‌بینی طلاق عاطفی را دارند؟

روش

روش تحقیق در این مطالعه، توصیفی از نوع همبستگی بوده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل همه پرستاران زن متأهل شاغل در بیمارستان‌های شهر خرم‌آباد بود که طبق آمار اخذ شده از معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان تعداد آنها ۶۰۰ نفر بود. نمونه مورد مطالعه با توجه به فرمول کوکران ۲۳۴ نفر برآورد شد که برای حذف اثر پرسشنامه‌های بی‌اعتبار تعداد ۲۴۰ نفر در نظر گرفته شد و با استفاده از روش تصادفی ساده انتخاب شدند. ملاک‌های ورود افراد به پژوهش حاضر عبارت از رضایت کامل برای همکاری در پژوهش و تکمیل پرسشنامه، عدم وجود سابقه‌ی طلاق در یک سال گذشته، گذشت حداقل یک سال از زندگی

^۱Eidelson

^۲Epstien

^۳destructiveness of disagreement

^۴unchangeability of spouse

^۵mind reading expectation

^۶sexual perfectionism

^۷gender differences

زنashویی، عدم وجود اختلال روانی (از طریق مصاحبه)، عدم تجربه‌ی سوگ (مرگ بستگان درجه‌ی یک)، بارداری یا زایمان در یک سال اخیر بودند. در صورت وجود هر یک از موارد فوق، افراد از لیست مطالعه خارج می‌شدند.

ابزار

شرکت‌کنندگان علاوه بر فرم مشخصات جمعیت‌شناختی که حاوی پرسش‌هایی جهت بررسی سن، تحصیلات، تعداد فرزندان و مدت ازدواج بود، پرسشنامه‌های دانش و نگرش جنسی^۱، باورهای ارتباطی^۲ و طلاق عاطفی^۳ را نیز تکمیل کردند.

پرسشنامه‌ی دانش و نگرش جنسی: این مقیاس ۳۰ گویه‌ای که توسط بشارت (۱۳۸۴) ساخته شده است، دو متغیر دانش و نگرش جنسی را در یک مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت در دامنه‌ای بین ۱ تا ۵ می‌سنجد. هر کدام از دو خرده مقیاس شامل ۱۵ سؤال است که کمترین و بیشترین نمره‌ی آزمودنی در هر یک از خرده مقیاس‌ها بین ۱۵ تا ۷۵ خواهد بود. نمره‌ی بالاتر در خرده مقیاس دانش جنسی به معنای بالا بودن دانش جنسی فرد و نمره‌ی بالاتر در خرده مقیاس نگرش جنسی به معنای نگرش مثبت‌تر نسبت به رابطه‌ی جنسی است. نسخه‌ی ۳۰ گویه‌ای مقیاس دانش و نگرش جنسی پس از طی مراحل اولیه‌ی تهیه و بررسی و تأیید روایی محتوایی بر اساس داوری هشت نفر از متخصصان روان‌شناسی در نمونه‌ای مشتمل از شصت و سه دانشجوی متأهل از دانشگاه‌های تهران و علم و صنعت ایران (۳۷ زن و ۲۶ مرد) اجرا شد. ضرایب آلفای کرونباخ زیرمقیاس‌های دانش و نگرش جنسی برای نمره‌ی آزمودنی‌ها به ترتیب ۹۱٪ و ۸۸٪ محاسبه شد که نشانه‌ی همسانی درونی خوب مقیاس بود. ضرایب همبستگی بین نمره‌های ۴۲ نفر از آزمودنی‌ها در دونوبت با فاصله دو تا چهار هفته برای سنجش پایایی بازآزمایی محاسبه شد. این ضرایب برای دانش و نگرش جنسی به ترتیب ۸۹٪ و ۸۷٪ و برای نمره‌ی کل مقیاس ۸۸٪ در سطح یک درصد معنادار بودند و پایایی بازآزمایی مقیاس را تأیید کردند (بشارت، ۱۳۸۴). در این مطالعه، پایایی به دست آمده بر اساس ضرایب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های دانش جنسی و نگرش جنسی به ترتیب عبارت از ۸۷٪ و ۹۱٪ بود.

پرسشنامه‌ی باورهای ارتباطی: پرسشنامه‌ی باورهای ارتباطی به منظور اندازه‌گیری باورهای غیرمنطقی زنashویی توسط آیدلسون و اپستین (۱۹۸۲) ساخته شده و توسط مظاہری و پوراعتماد (۱۳۸۰) با روش ترجمه و ترجمه‌ی معکوس به فارسی برگردانده و مورد استفاده قرار گرفته است. این سیاهه دارای ۴۰ سؤال است که هر سؤال در طیف لیکرت به صورت ۶ گزینه‌ای از صفر (کاملاً غلط) تا ۵ (کاملاً درست) پاسخ داده می‌شود. پنج خرده مقیاس این پرسشنامه عبارت از باور به مخرب بودن مخالفت، باور به عدم تغییرپذیری همسر، موقع ذهن‌خوانی، کمال گرایی جنسیو باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی هستند. نمره‌ی بالاتر نشان دهنده‌ی داشتن باورهای ارتباطی غیرمنطقی‌تر است. ایمل کامپ، بریلمان و کوپر^۴ (۱۹۸۶) در تحقیق خود پایایی درونی سیاهه‌ی باورهای ارتباطی را

^۱sexual knowledge and attitude scale(SKAS)

^۲relationship beliefs inventory(RBI)

^۳emotional divorce scale(EDS)

^۴Emmelkamp, Brilman& Kuiper

در دامنه‌ی ۷۴ تا ۸۳ نشان دادند. آیدلسون و اپستین (۱۹۸۲) در تحقیق خود نشان دادند که پایایی سیاهه‌ی باورهای ارتباطی با آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌ها دامنه‌ای از ۰/۷۲ تا ۰/۸۱ دارد (بوشمن^۱، ۱۹۹۸). در این مطالعه، پایایی به دست آمده بر اساس ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه‌های باور به تحریب‌کنندگی مخالفت، باور به عدم تغییرپذیری همسر، توقع ذهن‌خوانی، کمال‌گرایی جنسی و باور در مورد تفاوت‌های جنسیتی به ترتیب عبارت از ۰/۶۷، ۰/۵۳، ۰/۴۲ و ۰/۴۴ بود.

پرسشنامه‌ی طلاق عاطفی: پرسشنامه‌ی طلاق عاطفیکه توسط جان گاتمن^۲(۱۹۹۴) ساخته شده در کتاب موفقیت و شکست در ازدواج ارائه شده و در ایران توسط جزايری (۱۳۸۷) مورد ترجمه قرار گرفته است. مقیاس طلاق عاطفی یک مقیاس ۲۴ سؤالی است که شرکت‌کنندگان با انتخاب گزینه‌های بله یا خیر به آن پاسخ می‌دهند. گویه‌های این پرسشنامه غالباً احساسات فرد در مورد رابطه‌ی زناشویی و میزان صمیمت وی با همسر خود را می‌سنجد. در این مقیاس به پاسخ‌های خیر امتیاز صفر داده می‌شود و به پاسخ‌های بله امتیاز یک داده می‌شود و در نهایت هر چه نمره‌ی افراد بالاتر باشد نشانه‌ی میزان بیشتر طلاق عاطفی در رابطه‌ی زناشویی است. نقطه‌ی برش این پرسشنامه عدد ۸ است که اگر نمره فردی بالاتر از آن باشد در معرض خطر طلاق عاطفی قرار دارد و توصیه می‌شود که در صدد کمک حرفه‌ای باشد. در این مطالعه نیز پایایی این پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۳ بود.

روش اجرا

پس از کسب مجوز و انجام هماهنگی‌های لازم با مسئولان ذی‌ربط و مراجعه به معاونت آموزشی و پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، لیست پرسنل این زن متأهل در بیمارستان‌های شهر خرم‌آباد مورد بررسی قرار گرفت که جامعه‌ای به حجم ۶۰۰ نفر به دست آمد. سپس با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری تصادفی ۲۳۴ نفر انتخاب شدند. با مراجعه به افراد مورد نظر پرسشنامه‌ها را در اختیار ایشان قرار داده و در صورتیکه فاقد شرایط لازم برای شرکت در مطالعه بودند از لیست حذف شده و افراد دیگری جایگزین می‌شدند. در نهایت با خارج کردن پرسشنامه‌های مخدوش این تعداد به ۲۳۰ نفر تقلیل یافت. پس از توزیع و تکمیل پرسشنامه‌ها، نسبت به جمع‌آوری آن‌ها اقدام شد. برای تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده و با توجه به فرضیه‌های پژوهش علاوه بر استفاده از روش‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) از روش تحلیل رگرسیون استفاده گردید. تحلیل داده‌ها به کمک نرم افزار آماری SPSS نسخه‌ی ۱۸ انجام گرفت.

یافته‌ها

شرکت‌کنندگان شامل زنان ۲۰ تا ۵۰ ساله می‌شدند که ۱۹۳ نفر (۸۳/۹ درصد) از آنها دارای مدرک لیسانس و ۳۷ نفر (۱۶/۱ درصد) دارای مدرک فوق لیسانس بودند. ۱۱ نفر از آنها در دوره‌ی پنج سال اول زندگی زناشویی،

^۱Bushman
^۲Gottman

مومنی، آزادی فرد

۶۷ نفر (۴۷/۲۶ درصد) در دوره‌ی ۶ تا ۱۰ سال (۲۹/۱۴ درصد)، و ۵۲ نفر (۲۳/۶ درصد) در دوره‌ی بیش از ۱۰ سال بودند. ۹۵ نفر (۴۱/۳ درصد) بدون فرزند، ۸۸ نفر (۳۸/۳ درصد) دارای یک فرزند، ۴۲ نفر (۱۸/۳ درصد) دارای دو فرزند، و پنج نفر (۲/۲ درصد) دارای سه فرزند بودند. برای بررسی رابطه میان دانش و نگرش جنسی با طلاق عاطفی در پرستاران زن از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱.

آزمون همبستگی پیرسون برای رابطه‌ی دانش و نگرش جنسی با طلاق عاطفی

همبستگی	سطح معناداری	طلاق عاطفی	دانش جنسی	نگرش جنسی	دانش و نگرش جنسی
-۰/۲۸۳***	<۰/۰۰۱	<۰/۰۰۱	-۰/۳۳۱***	-۰/۳۲۳***	-۰/۳۲۳***
معنادار است.					
تعداد	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰

* رابطه در سطح ۰/۰۵ معنادار است. ** رابطه در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، بین دانش و نگرش جنسی زنان با میزان طلاق عاطفی آنها رابطه‌ی منفی معناداری برقرار است ($p < 0.01$). بدین ترتیب هرچه میزان دانش و نگرش جنسی زنان افزایش می‌یابد، میزان طلاق عاطفی آنها رو به کاهش می‌رود. این موضوع برای نمره‌ی کلی مقیاس دانش و نگرش جنسی و هر دو مقیاس دانش جنسی و نگرش جنسی صادق است. به منظور بررسی نقش دانش و نگرش جنسی در پیش-بینی طلاق عاطفی در زنان از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش گام به گام استفاده شد.

جدول ۲.

تحلیل رگرسیون چندگانه رابطه‌ی دانش و نگرش جنسی با طلاق عاطفی

t	Beta	خطای معیار	B	R2	R	سطح معنی‌داری	آماره F	میانگین مریعات آزادی	درجه آزادی	مجموع مریعات آزادی	منبع تغییر
۱/۵۵۴			۱/۶۷۲	۱۵/۹۷۳		<۰/۰۰۱	۵۹/۳۷۳	۱۹/۴۳۵	۲۲۸	۴۴۳۱/۱۴۶	رگرسیون
			۰/۲۰۳	۰/۴۵۵		<۰/۰۰۱			۲۲۹	۵۵۸۵/۰۶۱	باقیمانده
											مجموع
											۱ گام
			-۷/۷۰۵	-۰/۴۵۵	۰/۰۲۷	-۰/۲۱۰					نگرش جنسی
											مقدار ثابت

متغیر پیش‌بین الف: نگرش جنسی متغیر وابسته: طلاق عاطفی

طبق نتایج جدول بالا، تحلیل واریانس از مدل رگرسیون چندگانه در جدول فوق بیانگر آن است که مدل رگرسیون اعمال شده معنی دار بوده و مجاز به استفاده از آن می باشیم ($p < 0.01$). همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، با توجه به مقدار R^2 ، متغیر مذکور در زنان حدود ۲۰ درصد از میزان واریانس طلاق عاطفی را پیش بینی می کند. همچینین مؤلفه نگرش جنسی برای پیش بینی متغیر وابسته بهترین عملکرد را داشته، هر چند متغیر دانش جنسی هم در همبستگی معنادار بود اما اطلاعات جدیدی برای پیش بینی و تبیین اضافه نکرده و علیرغم وجود هم خطی احتمالی حذف شده است. به منظور بررسی رابطه میان باورهای ارتباطی با میزان طلاق عاطفی در پرستاران زن از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ مشاهده می شود.

جدول ۳

آزمون همبستگی پیرسون برای بررسی رابطه باورهای ارتباطی و طلاق عاطفی

همبستگی	طلاق	سطح معناداری	اعاطفی	تعداد	باور به مخرب بودن خوانی	توقع ذهن-	باور به عدم تغییرپذیری همسر	کمال گرایی جنسی	باور به نمره کلی تفاوت های جنسی
-0.502**	-0.502**	-0.331**	-0.007	-0.312**	-0.380**	-0.0516**			
<0.001	<0.001	<0.001	0.919	<0.001	<0.001	<0.001	<0.001	<0.001	<0.001
۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰	۲۳۰

* رابطه در سطح ۱/۰ معنادار است. ** رابطه در سطح ۵/۰ معنادار است.

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود، نمره کلی باورهای ارتباطی و تمام باورهای ارتباطی زنان با میزان طلاق عاطفی آنها رابطه منفی دارند و این رابطه برای تمامی باورهای ارتباطی به غیر از باور به عدم تغییرپذیری همسر، معنادار می باشد ($p < 0.01$). بدین ترتیب هرچه نمره افراد در مقیاس باورهای ارتباطی کاهش می یابد (که مبنی بر وجود باورهای ارتباطی مخرب بیشتری است)، میزان طلاق عاطفی زنان افزایش می یابد. به منظور بررسی نقش باورهای ارتباطی در میزان طلاق عاطفی اقدام به تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام شد.

جدول ۴

تحلیل رگرسیون چندگانه رابطه‌ی باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی

t	Beta	خطای معیار	B	R2	R	سطح معنی‌داری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات آزادی	منبع تغییر
۱۰/۳۶۴	-۷/۹۳۷	۱/۲۴۳	۱۲/۸۸۲	۰/۲۱۳	۰/۴۶۵	<۰/۰۰۱	۶۲/۹۸۸	۱۹/۱۹۳	۲۲۸	۱۲۰/۸/۹۶۲	رگرسیون
											باقیمانده
											مجموع
											مقدار ثابت
											مخرب بودن مخالفت
											رگرسیون
											باقیمانده
											مجموع
											۱ گام
											مقدار ثابت
۱۰/۵۹۰	-۶/۴۶۲	۱/۶۶۲	۱۷/۶۰۱	۰/۲۷۱	۰/۰۵۲	<۰/۰۰۱	۴۲/۱۳۶	۱۷/۹۴۳	۲۲۷	۷۵۶/۰/۲۸	رگرسیون
											باقیمانده
											مجموع
											۲ گام
											مخرب بودن مخالفت
											عدم تغییرپذیری همسر
											رگرسیون
											باقیمانده
											مجموع
											۳ گام
۱۱/۳۹۳	-۳/۹۱۹	۱/۷۶۷	۲۰/۱۳۴	۰/۳۱۰	۰/۰۵۷	<۰/۰۰۱	۳۳/۸۵۶	۱۷/۹۴۳	۲۲۶	۷۵۶/۰/۲۸	رگرسیون
											باقیمانده
											مجموع
											۳ گام
											مقدار ثابت
											مخرب بودن مخالفت
											عدم تغییرپذیری همسر
											توقع ذهن خوانی
											رگرسیون
											باقیمانده
											مجموع
۷/۷۶۲	-۴/۰۶۲	۲/۱۵۹	۱۶/۷۵۸	۰/۳۳۱	۰/۰۵۷۵	<۰/۰۰۱	۲۷/۸۳۰	۱۶/۶۰۶	۲۲۵	۴۶۲/۱۵۵	رگرسیون
											باقیمانده
											مجموع
											۴ گام
											مقدار ثابت
											مخرب بودن مخالفت
											عدم تغییرپذیری همسر
											توقع ذهن خوانی
											کمال‌گرایی جنسی

طبق نتایج جدول بالا، تحلیل واریانس از مدل رگرسیون چندگانه در جدول فوق بیانگر آن است که مدل رگرسیون اعمال شده معنی‌دار بوده و مجاز به استفاده از آن می‌باشیم ($p < 0.05$). نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد که باور به مخرب بودن مخالفت، نگرش جنسی، توقع ذهن خوانی، باور به عدم تغییرپذیری همسر، کمال‌گرایی جنسی به ترتیب بیشترین نقش را در پیش‌بینی طلاق عاطفی داشتند، هر چند باقی متغیرها نیز در همبستگی

معنادار بودند اما اطلاعات جدیدی برای پیش‌بینی و تبیین اضافه نکرده و علیرغم وجود هم‌خطی احتمالی حذف شده‌اند. همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، با توجه به مقدار R^2 ، متغیرهای مذکور در زنان حدود ۳۳ درصد از میزان واریانس طلاق عاطفی را پیش‌بینی می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مطالعه بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی در زنان بود و بر اساس نتایج به دست آمده هر دو متغیر پیش‌بین، توان پیش‌بینی متغیر طلاق عاطفی را دارا بودند. یافته‌ی اول این پژوهش مبنی بر اینکه دانش و نگرش جنسی با طلاق عاطفی زنان ارتباط دارد با یافته‌های پژوهش نادری و همکاران (۱۳۸۸) همسو است. آنها معتقد‌نده که شناخت و دانش فرد می‌تواند به ادراک و توانایی برای حل مشکلات بینجامد. آگاهی و دانش جنسی زوجین نیز لذت و بهبود رابطه‌ی زناشویی و عاطفی بین آنها را درپی دارد. اگر زوجین در زندگی خود شناخت بیشتری نسبت به این بعد مهم رابطه داشته باشند، قادر خواهند بود که شیوه‌های ارتباطی خود را تغییر دهند و آنها را بهبود بخشنند. ناآگاهی و کمبود دانش جنسی و کسب اطلاعات نادرست درباره‌ی رابطه‌ی جنسی منجر به افزایش تعارضات و آسیب‌های جنسی زوجین می‌شود. نادری و همکاران (۱۳۸۸) معتقد‌نده که نگرش همسران نسبت به مسائل جنسی تأثیر سیار مهمی بر سایر رفتارهای آن‌ها دارد. اعتقادات و نگرش‌های ناسازگارانه و منفی در برانگیختگی و رسیدن به مرحله‌ی ارگاسم همسران نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. نگرش سالم نسبت به رابطه‌ی جنسی باعث تجربه‌ی یک رابطه‌ی لذت‌بخش و رسیدن به اوج لذت جنسی می‌شود. نورانی پور، بشارت و یوسفی (۱۳۸۶) که نتیجه‌ی مطالعه‌ی آنها حاکی از ارتباط دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی است، در تبیین یافته‌های خود معتقد‌نده که نگرش، تعیین کننده‌ی رفتار است و تغییر در نگرش افراد باعث تغییر در رفتار آنهمای شود.

یافته‌ی دیگر این پژوهش این بود که بین باورهای ارتباطی و میزان طلاق عاطفی در زنان رابطه وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های سالیوان و شوبیل^۱ (۱۹۹۵) مبنی بر ارتباط بین باورهای ارتباطی غیرمنطقی و عدم رضایت زناشویی و نتایج پژوهش عبدالحمیدی (۱۳۸۵) که بین باورهای غیرمنطقی و عدم رضایت از زندگی زناشویی ارتباط وجود دارد و سلیمانیان (۱۳۷۳) مبنی بر بالاتر بودن نارضایتی زناشویی افراد واجد تفکرات غیرمنطقی همخوانی دارد. این یافته همچنین با نتیجه‌ی پژوهش ادب‌راد، مهدوی، ادب‌راد و دهشیری (۱۳۸۴) همسو است. آنها معتقد‌نده که باورهای غیرمنطقی یکی از موانع ارتباط است و به زعم الیس^۲ (۱۹۶۲) حتی ممکن است منجر به نوروز^۳ شده و اختلال ارتباطی را در پی داشته باشد. باورهای غیرمنطقی به صورت آگاهانه در زوجین وجود دارند و همسران از تأثیرات منفی آنها در افزایش ناسازگاری زناشویی خود آگاهی ندارند. از آنجا که تفکر و باور سالم یکی از مؤلفه‌های مهم ارتباط کارآمد زناشویی است و تأکید درمانگران بر این مسئله که برای کمک به زوجین ناسازگار می‌توان با تکنیک‌های شناختی به شناسایی این باورهای ناکارآمد و همچنین رشد

^۱Sullivan, B., & Shwebel

^۲Ellis

^۳nervous

ارتباط مؤثر زناشویی پرداخت(باکوم، ۱۹۹۸)، لذا با ایجاد آگاهی وسیع تر نسبت به این موضوع برای زوجین در هر قشری از جامعه، می توان رضایت زناشویی را افزایش داد. به عقیده‌ی بک^۴(۱۹۷۰) زمانی که باورهای غیرمنطقی ما کاهش یابد و باورهای منطقی جایگزین آن‌ها شود، رضایت و سازگاری زناشویی نیز افزایش خواهدیافت. تا زمانیکه زوجین آگاهی ندارند که این افکار، غیرمنطقی است و به نوعی به این باورها عادت کرده‌اند، نقش خود را در ایجاد مسائل و مشکلات زناشویی کمنگ و نادیده می‌انگارند.

درمورد محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به این موارد اشاره کرد که نمونه‌ی پژوهش را پرستاران زن تشکیل دادند که به لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قشرخاصلی هستند. بنابراین تعمیم نتایج به جامعه‌ی بزرگتر باید با احتیاط صورت گیرد. به دلیل تابو بودن مسائل جنسی در جامعه در مرحله‌ی گرداوری اطلاعات، محقق با مشکلات فراوانی درجهت توجیه آزمودنی‌ها برای شرکت در پژوهش و محروم‌ماندن اطلاعات مواجه بود. در حوزه‌ی پیشنهادات پژوهشی لازم به ذکر است که پژوهش‌های آتی بروی نمونه‌ی مردان نیاز‌اجراگردد. این پژوهش بروی نمونه‌های دیگری غیرازپرستاران مانند فرهنگیان نیاز‌اجراشود. برای به دست آوردن نتایجیکه بتوان زوجین را با هم مقایسه کرد یا اثر بافت خانوادگی متفاوت را کنترل کرد در پژوهش‌های آتی گروه نمونه به صورت زوج(زن و شوهر) انتخاب شوند. از جمله پیشنهادهای کاربردی نیز می‌توان گفت که نتایج پژوهش نشان دهنده‌ی رابطه‌ی دانش و نگرش جنسی و باورهای ارتباطی با طلاق عاطفی در زنان است، بنابراین درمانگران و مشاوران خانواده می‌توانند با تکیه بر یافته‌های چنین پژوهش‌هایی کلاس‌ها و کارگاه‌های مؤثری جهت افزایش دانش و نگرش جنسی سالم و باورهای ارتباطی منطقی در همسران برگزار نمایند.

منابع

- ادیب راد، نسترن، مهدوی، اسماعیل، ادیب راد، مجتبی، و دهشیری، غلامرضا.(۱۳۸۴).
- مقایسه باورهای ارتباطی زنان مراجعه کننده به مراکز قضایی و زنان مایل به ادامه زندگی مشترک شهر تهران. فصلنامه خانواده پژوهی، (۲)، ۶۹-۸۷.
- آقامحمدیان، حمیدرضا، رضاقلی زاده، تکتم، عوضی، معصومه، پشتیبان، حبیبه.(۱۳۸۲).
- بررسی رضایتمندی زناشویی و رابطه‌ی آن با طلاق. اولین همایش خانواده و مشکلات جنسی، تهران.
- بشارت، محمدعلی.(۱۳۸۴). ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس دانش و نگرش جنسی. گزارش پژوهشی دانشگاه تهران.
- بروین، ستار، داوودی، مریم، و محمدی، فریبرز.(۱۳۹۱). عوامل جامعه شناختی موثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۴(۵۶)، ۱۱۹-۱۵۴.
- ساروخانی، باقر.(۱۳۷۵). مقدمه‌ای بر جامعه شناسی خانواده. تهران: سروش.
- سلیمانیان، علی اکبر. (۱۳۷۳). بررسی تأثیر تفکرات غیر منطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی زناشویی(پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه تربیت معلم، تهران.

⁴Baccem

⁵ Beck

- شهرستانی، مليحه، دوستکام، محسن، رهباردار، حمید، و مشهدی، علی. (۱۳۹۱). پیش بینی رضایت مندی زناشویی از روی متغیرهای باورهای ارتباطی و صمیمیت زناشویی در زنان متقاضی طلاق و عادی شهر مشهد. *فصلنامه زن و فرهنگ* ۴، ۱۹-۴۱.
- خدایاری فرد، محمد، شهابی، روح الله، و اکبری زردهخانه، سعید. (۱۳۸۶). رابطه نگرش مذهبی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متاهل. *فصلنامه خانواده پژوهی*، ۳(۱۰)، ۶۱۱-۶۲۰.
- گاتمن، جان. (۱۹۹۴). موققیت یا شکست در ازدواج (ترجمه ارمغان جزایری). تهران: خجسته.
- عبدالحمدی، کبری (۱۳۸۵). بررسی و مقایسه رابطه باورهای ارتباطی و تعارضات زناشویی در زنان و مردان مراجعه کننده به دادگاه (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- علی اکبری دهکردی، مهناز. (۱۳۸۹). رابطه ای عملکرد جنسی زنان با سازگاری زناشویی. *مجله علوم رفتاری*، ۴(۳)، ۲۰۶-۱۱۹.
- ظاهری، محمدعلی، پوراعتماد، حمیدرضا. (۱۳۸۰). مقیاس باورهای ارتباطی. چاپ نشده، پژوهشگاه خانواده دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- نادری، فرج، حیدری، علیرضا، حسین زاده مالکی، زینب. (۱۳۸۸). رابطه بین دانش و نگرش جنسی، مولفه های عشق و رضایت زناشویی با همسرآزاری در کارکنان متاهل ادارات دولتی شهر اهواز. *فصلنامه زن و فرهنگ*، ۱(۱)، ۴۵-۲۸.
- نورانی پور، رحمت الله، بشارت، محمدعلی، و یوسفی، اسکندر. (۱۳۸۶). بررسی رابطه دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی در زوجین ساکن در مجتمع پژوهشگران جوان دانشگاه شهید بهشتی. *تازه ها و پژوهش های مشاوره*، ۶(۲۴)، ۴۰-۲۷.
- یزدانی، عباس، حقیقتیان، منصور، و کشاورز، حمید. (۱۳۹۲). تحلیلی بر کیفیت زندگی زنان دچار طلاق عاطفی (مطالعه موردی: شهرکرد). *فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی*، ۲(۶)، ۱۵۹-۱۸.
- یوسفی، اسکندر (۱۳۸۴). رابطه بین دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی در زوجین ساکن در مجتمع پژوهشگران جوان دانشگاه شهید بهشتی (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- Baccem, P. H. (1998). Empirically supported couple and family intervention for marital distress and adulmenata health. *Journal of counslting and clinical psychology*, 66, 53-88.
- Beck, A. T. (1970). Cognitive therapy :Nature and relation to behavior therapy. *Behavior therapy*, 1, 184-200.
- Bushman, w. (1998). The relationship between conflict, love and satisfactional relationship beliefs, problem-solving techniques and negotiating strateges in romantic relationship. phd. hofstra university.
- Campbell, G., Skinner, B., & Heiman, J. (2000). The high prevalence of sexual concerns among women seeking routine gynecological care. *journal of Family Practice*, 49(7), 229-232.

- Corsini, R. (2002). Understanding and similarity in marriage. *Journal of Abnormal social psychology*, 52(3), 8-12.
- Eidelson, R. J., & Epstien, N. (1982). Cognitive and relationship of adjustment Development of a measure of dysfunctional relationship belief. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 50, 715-72.
- Ellis, A. (1962). *Reason and emotion in psychotherapy*. New York: Lyle.
- Emmelkamp, P. M. G., Brilman, E., & Kuiper, H. (1986). The treatment of agoraphobia: a comparison of self-instructional training, rational emotive therapy, and exposure in vivo. *Behavioral Modification*, 10, 37-53.
- Musaei, M. (2011). The Relationship between divorce and Economics-Social variables in Iran. *British journal of Arts and social science*, 1(2), 68-76.
- Sullivan, B., & Shwebel, A. (1995). Relationship Belief & Eepectations of satisfaction in marital relationship. *Implication for Family journal*, 3, 8-298.